

بررسی و تحلیل وضعیت مسیحیان در زمان شاه عباس اول

محمد علی چلونگر^۱

زینب کریمی^۲

چکیده

عصر صفوی به ویژه از روزگار شاه عباس اول به بعد شاهد حضور روزافزون اروپاییان در ایران بود این حضور طبیعتاً می‌توانست زمینه‌های لازم را برای برخورد و آشنایی بیشتر میان ایرانیان و اروپاییان را فراهم آورد. بدین ترتیب آغاز فعالیت جدی و گسترده مسیحیان در ایران به زمان شاه عباس اول برمی‌گردد. شاه‌عباس به دلیل وجود دو نیروی مخالف، یعنی ازبکان در شرق و عثمانیان در غرب، درصدد ارتباط هر چه بیشتر با دول مسیحی اروپا بود، که به واسطه این امر و نیز شرایط اقتصادی و تجاری، نسبت به مسیحیان داخل ایران بسیار با ملاحظت عمل می‌کرد. در عصر شاه عباس اول، مسیحیان مراسم و امور مذهبی خود را آزادانه اجرا می‌کردند، حضوری فعال در جامعه به ویژه عرصه اقتصاد داشتند، بسیار مورد احترام شاه عباس بودند به طوری که شاه عباس در اوایل حکومتش به مبلغان مسیحی اجازه تبلیغ را در سطح و سیه داده بود. و در مراسم مذهبی مسیحیان شرکت می‌کرد. لذا در این پژوهش سعی بر این است. که تا حد امکان، با اتکا بر منابع اصلی و در دسترس عصر صفوی و به روش توصیفی تحلیلی به بررسی وضعیت مسیحیان در عصر شاه عباس اول، نقش و جایگاهشان در جامعه ایران و علل دیدگاه مثبت شاه عباس نسبت به مسیحیان پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مسیحیت، صفویه، شاه عباس اول

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

حکومتی که شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ ه.ق. تأسیس کرد. حکومتی مذهبی و بر اساس شاخصه‌های دینی بود و با اتکا بر نهاد دین، قدرت سیاسی خود را مستحکم کردند. والبتّه به عنوان موثرترین حکومت در تحکیم قدرت تشیع نیز شناخته شده‌اند. لذا با توجه به حاکم بودن نگرش تشیع بر حکومت صفوی، شاید در نگاه نخست این تصور ایجاد شود که صفویه یک دولت متعصب شیعی بوده است که با اقلیت‌های مذهبی غیر مسلمان رابطه‌ی خصمانه داشته است. ولی بررسی منابع نشان می‌دهد. نه تنها عملکرد برخی از شاهان صفوی نسبت به اقلیت‌های غیر مسلمان مانند مسیحیت، خصمانه نبوده است، بلکه در موارد بسیار شاهد رابطه دوستانه شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول با مسیحیان هستیم. شاه عباس اول با حمایت از مسیحیان، علاوه بر هدف سیاسی که همانا ضربه زدن به عثمانی بود، اهداف اقتصادی و تجاری را نیز دنبال می‌کرد. زیرا برای توسعه تجارت ایران با دول مسیحی، رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با مسیحیان داخل ایران را ضروری می‌شمرد. در راستای همین سیاست، شاه عباس برای جذب مسیحیان سیاست مدارای دینی در پیش گرفت و به آنان در جامعه ایران آزادی‌های اجتماعی داد. بطوری که مسیحیان مراسم و امور مذهبی خود را آزادانه اجرا می‌کردند، در ایران روند ساخت کلیسا قبل از حکومت صفویان به کندی پیش می‌رفته ولی تسریع این روند در ایران مربوط به عهد شاه عباس اول است به طوری که بیشترین کلیساها در این زمان ساخته شد. همچنین در زمینه امور تجاری و اقتصادی شاه برای تسهیل امور تجاری مسیحیان، علاوه بر کاهش عوارض و مالیات‌ها، با در اختیار گذاشتن سرمایه، آنان را مورد حمایت قرار می‌داد.

شرحی مختصر از حکومت شاه عباس اول

زمانی که شاه عباس در سال ۹۹۶ق/۱۵۸۸م بر مسند قدرت نشست، دریافت که به لشکریان پراکنده و تجهیزات نامناسب و همچنین امرای که تابع نظام خصمانه‌ای قبیله‌ای هستند. امکان مقابله با دو قدرت ازبکان در شرق و عثمانی در غرب را ندارد. بنابراین به موجب معاهده‌ی که در سال ۹۸۸ق، موسوم به صلح استانبول، سراسر

قسمت‌های غربی به ترکان تعلق گرفت. این قرارداد فرصتی به شاه عباس داد، که در زمینه اصلاحات داخلی و جنگ با ازبکان گام‌های اساسی بردارد. لذا وی پس از سروسامان دادن به اوضاع داخلی و تثبیت مرزهای شرقی از سوی ازبکان مورد تهدید بود، موقعیت را برای باز پس‌گیری نواحی غربی از عثمانی مناسب دید (ترکمان، ۱۳۸۱: ۸۹۹-۹۱۳) شاه عباس در سال ۱۰۱۱ ق به کمک نیروی شاهسون ظاهراً به عزم مازندران از اصفهان خارج شد. اما در میانه راه با سرعت تمام خود را به تبریز رسانید و پس از مدتی توانست در سال ۱۰۱۲ ق تبریز و سپس دیگر نواحی غربی را باز پس گیرد (منجم یزدی، ۱۳۶۴: ۲۶۸-۲۷۶) بدین ترتیب شاه عباس با اتکا بر ویژگی برجسته خود یعنی عمل‌گرایی، موفق به تثبیت اوضاع داخلی و خارجی ایران گردید. و مقدرترین حاکمیت را در عصر خاندان صفوی با بکارگیری اصول سیاستمدارانه خود رقم زد. و به مدت ۴۲ سال با اقتدار فرمانروایی کرد. مهمترین عامل موفقیت او در کیاست و سیاستمداری‌اش نهفته بود که نمود بازر آن سیاست‌مداری دینی بود که در پیش گرفته بود.

سیاست مذهبی شاه عباس اول نسبت به مسیحیان

شاه عباس در دوران حکومت خود سیاست باز مذهبی را در پیش گرفت. و این سیاست تا حدی همه اقلیت‌های مذهبی را در بر می‌گرفت. به طوری که همه اقلیت‌ها در این زمان محله مخصوص خود را داشته‌اند و در امور مدنی و جزایی، مستقل از دستگاه‌های دولتی بوده‌اند (دل‌واله، ۱۳۷۰: ۶۲) شاه عباس پادشاهی سیاستمدار و با کیاست بود که برای تحقق اهداف مهم خود از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. با وجود اینکه از معتقدین راسخ مذهب تشیع بود. اما همواره در صدد بود با مدارای مذهبی در قبال دیگر اقلیت‌ها از پتانسیل آنان در جهات مثبت، در عرصه امور مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بهره‌مند گردد. این آزاداندیشی شاه عباس، در خصوص مسیحیت، بنابر دلایل سیاسی و اقتصادی و حتی علاقه شخصی به مسائل مذهبی، بیشترین نمود را داشت. به طوری که در سفرنامه برادران شرلی آمده است: شاه عباس از هیئت همراه سر آنتوان شرلی درباره پاپ سوال کرده است؟ که کشیشان در جواب بیان داشته‌اند که پاپ

جانشین عیسی مسیح(ع) بر روی زمین است. شاه عباس استدلال کرد که پاپ‌ها، مثل همه انسان‌ها هستند و در رم یا ایتالیا متولد شده‌اند و هیچ زمانی با عیسی(ع) صحبتی نداشته‌اند و همچنین بیان کرده است که : اعتقاد ندارم که کسی در دنیا حق عفو معاصی مردم را داشته باشد جز خدای عالم.. در باب حضرت عیسی(ع) گفته : که ایشان از پیغمبران بزرگ خداست و اگر هم کسی بتواند معاصی را عفو کند، همان اوست. زیرا خوانده‌ام در این دنیا معجزه‌های بزرگ ظواهر کرد... از زنی متولد شده است که ملک خدا پیش او آمده در نفس او دمیده و او باردار شد است.(آوانس، ۱۳۵۷: ۱۰۰) این امر آگاهی و اطلاعات شاه عباس در باره دین مسیح باعث شگفتی کشیشان و هیئت همراه گردید. این امر نشان می‌دهد که شاه عباس علاوه بر اهداف سیاسی و تجاری، نسبت به مطالعه کیش مسیحیت علاقمند بوده است. البته این علاقمندی به مطالعه درباره مسیحیت، دلیل بر دخالت شاه عباس در امور و اعتقادات اقلیت مسیحی نمی‌باشد.. که نمود آن این امر در پاسخی است که به درخواست آنتونیو دوگوا، مبنی بر فرمان شاه عباس به اطلاعات اسقف آرامنه از پاپ، داده است؛ ... شاه عباس در جواب گفت: می‌دانید که در کشور من هر کس آزاد است چنان که می‌خواهد، زندگی کند و مراسم دینی خود را به هر طور که مایل است ، انجام دهد، و من نمی‌توانم خلیفه آرامنه را به زور، همراهش کنم.(فلسفی، ۱۳۵۸: ۹۳۴)

با این وجود شاه عباس برای جلب حمایت دول مسیحی اروپا از هیچ کوششی در جهت رفاه و آسایش فرق مسیحی ساکن ایران ، فروگذار نمی‌کرد. هر چند شاه عباس نسبت به اقلیت‌های مذهبی ایران مانند یهودیان، زردشتیان و مسیحیان نسبت به اسلاف و اخلاف خود سیاست مدار گونه‌ای در پیش گرفته بود. اما بتدریج با راه یافتن روز افزون مأمورین، سفرا و میسونرهای مسیحی به دربار صفوی در قزوین و به ویژه در اصفهان، کم کم عملکرد شاه عباس را نسبت به دیگر اقلیت‌ها به خصوص کلیمیان را تحت شعاع قرار داد و به نوعی موجب تعطیلی کسب و کار و فقر و بیچارگی آنان گشت(مصطفوی، ۱۳۶۹: ۲۹) این در حالی بود که مسیحیان در سایه حمایت شاه در گوشه و کنار ایران کلیسا و صومعه می‌ساختند و آزادانه مراسم و امور مذهبی خود را اجرا می‌کردند. شاه عباس همواره برای خوشایند کشیشان غرب و بدست آوردن حمایت دول مسیحی اروپا

از ابراز تشدد خاطر نسبت به یهودیان نیز کوتاهی نمی‌کرد به طوری که در سفرنامه برادران شرلی آمده است: ... خوانده‌ام که چگونه یهودیان عیسی (ع) را به خاج {صلیب} کشیدند... و به این جهت است که من از آنان اینقدر کراهت دارم و تا این دقیقه یک نفر از آنان را نگذاشته‌ام که در مملکت من سکنا گیرد. (آوانس، ۱۳۵۷: ۱۰۰) این حمایت بی‌دریغ شاه عباس نسبت به مسیحیان شاید شبهه علاقه شاه را در گرایش به مسیحیت در ذهن تداعی کند. ولی سخن دلاواله خط بطلانی بر این شبهه است. دلاواله می‌نویسد: من یقین دارم که شاه عباس، چه از نظر شخص خویش، چه در کارهای کشوری، مسلمانی واقعی و معتقد است. مگر معجزه‌ای رخ دهد که او به دین عیسی درآید. من می‌دانم که در دین خویش سخت متعصب است. و تمام قوا و دارائی خود را در راه عظمت و اعتلای دین اسلام بکار خواهد برد. در این تعصب خویش ملامتش نمی‌توان کرد، زیرا معتقد است که با ابراز آن، وظیفه دینی خویش را ادا می‌کند. ای کاش پادشاهان ما نیز باری تقویت عقیده و ایمان عیسویان از او پیروی می‌کردند... و به اندازه او تعصب دینی داشتند... با این همه نمی‌توان انکار کرد. که شاه عباس به عیسویان نیکی بسیار نمود. و از دین عیسی طرفداری و پشتیبانی موثر کرده است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۲۴) به طور کلی مسیحیان در عصر شاه عباس، نسبت به دیگر اقلیت‌های مذهبی ساکن در ایران، دارای بیشترین آزادی و امتیازات اجتماعی بودند و آزادانه مراسم و امور مذهبی خود را اجرا می‌کردند. همچنین از امتیازات اقتصادی بر خوردار بودند. و در سال ۱۰۱۰ ق/ ۱۶۰۲ م سه روحانی از فرقه آگوستین از گوا به ایران آمدند. که هر سه تاثیر بسیار خوبی بر شاه عباس نهاده. تا جای که اجازه ساخت صومعه و کلیسا را در اصفهان بدست آوردند. و حتی شاه بخشی از هزینه تزئین کلیسا را متقبل شد (سیوری، ۱۳۸۵: ۱۰۳) البته شایسته توجه است. که شاه عباس اول نیز مانند اسلاف خود به عنوان پادشاهی مسلمان در پی جذب مسیحیان به اسلام بود. اما به سبب آنکه او برای توسعه سیاست‌های خود نیازمند مشارکت مثبت مسیحیان در امور تجاری - سیاسی بود سعی داشت با اقدامات تشویقی، مسیحیان را به دین اسلام ترغیب کند و به همین منظور معلمین و روحانیونی را به مناطق مختلف اعزام می‌کرد تا آیین محمد (ص) را به آنان بیاموزد و فرزندان آنان را با شریعت اسلام آشنا کند (دهوریان، ۱۳۷۹: ۵۱)

جایگاه و موقعیت مسیحیان در جامعه عصر شاه عباس اول

با وجود اینکه تحت لوای دولت شیعه مذهب صفویه اقلیت‌های مذهبی در عصر شاه عباس در تنگنا قرار نداشتند. اما در میان گروه‌های مختلف از اهل کتاب، مسیحیان از موقعیت اجتماعی مناسب‌تری برخوردار بودند. بر خلاف یهودیان و زردشتیان که محدودیت‌های داشتند برای مثال مسیحیان حق داشتند مانند مسلمانان لباس بپوشند و بر اسب سوار شوند. (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۶۱۶-۶۲۶) در حالی که یهودیان دارای چنین حقی نبودند و همچنین طبق فرمانی صادر شده از سوی شاه عباس، برای آرامش و آسودگی مسیحیان ارمنی آمده است: هیچ مسلمانی حق ساختن منزل را در محله آرامنه نخواهد داشت. و هر گاه یکی از مسلمانان نسبت به آرامنه رفتار بدی داشته باشد او را به سختی کیفر خواهیم کرد. (فلسفی، ۱۳۵۸: ۱۱۲۰) بدین ترتیب مسیحیان به ویژه آرامنه و گروه‌های مسیحی اروپایی به لحاظ اقتصادی جزو طبقات متمول جامعه محسوب می‌شدند. این گروه طبق قوانین جامعه شیعی مذهب صفوی، به عنوان اقلیتی غیر مسلمان به دولت ایران جزیه پرداخت می‌کردند. به طوری که آمده است: آنچه که مسیحیان به عنوان جزیه می‌پردازند، با مالیات ارمنی هیچ شباهتی ندارد، مسیحیان به تعداد افرادشان باید مبلغی پراخت کنند؛ به این ترتیب، افراد بالای پانزده سال، هر کدام هفت لیورو دو سل و افراد بالای بیست سال هر کدام پانزده لیورو سرانه می‌پردازند. (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۳۴)

مسیحیان اقلیتی سخت کوش در عرصه اقتصاد بودند و این دلیل همواره مورد توجه شاه عباس بودند. آنان در حرفی مانند: گچ‌بری، قالی‌بافی، بازرگانی، پالان‌بافی، باغبانی، چکمه دوزی، ساعت سازی و ... مهارت داشتند (راوندی، ۱۳۶۶: ۸۶) ولی مهمترین فعالیت مسیحیان در ایران عصر شاه عباس فعالیت‌های تجاری بود. مسیحیان عمده‌تا تاجرانی بزرگ در عرصه تجارت بین‌الملل بودند که این امر مستقلا در اقتصاد جامعه ایران اثرات مثبت و مهمی بر جای گذاشت. بطوری که تاورنیه می‌نویسد: تجارت در ایران تقسیم شده است: تجارت داخلی در دست یهودیان و ایرانیان است، اما تجارت خارجی به طور کلی در تصرف مسیحیان است (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۵۹۶) علاوه بر امور تجاری که مهمترین

نقش و عملکرد مسیحیان مقیم ایران به شمار می‌رفت. مشاغل دیگر مانند: اسلحه‌سازی، آموزش سپاه، مترجی و ... نیز در اختیار این گروه از اهل کتاب قرار داشت. در آن هنگام {دوران حکومت شاه سلیمان} زرگران و ساعت‌سازان فرانسوی چیره دستی در دربار شاهی کار می‌کردند و شاه به آنان حقوق و مزایای فراوانی می‌داد. و برخی از این کارگران تا دو هزار و پانصد لیور حقوق دریافت می‌کردند و هزینه تغذیه نیز بر عهده شاه قرار داشت. (سانسون، ۱۳۴۶: ۹۳) به این ترتیب مسیحیان در جامعه عصر شاه عباس در میان دیگر گروه‌های اهل کتاب در سایه حمایت شاه عباس، داری بهترین جایگاه اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی در جامعه ایران عصر صفوی بودند و فعالیت آنان در عرصه بین‌الملل بسیار پررنگ و چشمگیر بود. در حقیقت واسطه میان ایران و دول مسیحی اروپا به لحاظ اقتصادی، تجاری، سیاسی و ... بودند و به این علل از شان و جایگاه مناسبی در جامعه برخوردار بودند و طبق فرامین شاه عباس کسی معترض حقوق اجتماعی آنان نمی‌شد.

دلایل رویکرد مثبت شاه عباس نسبت به مسیحیان

شاه عباس در پی سیاست باز مذهبی که در پیش گرفته بود، نسبت به مسیحیان بیشترین توجه و الطاف را روا می‌داشت. شاه عباس همواره به طرق مختلف در صدد تثبیت عظمت قدرت خود بود و از ضروریات تحقق این امر سیاست مدارای دینی بود. با توجه به ارزش و اهمیت این امر پراختن به علل مدارای مذهبی شاه عباس در مورد مسیحیان ضرورت می‌نماید به طور کلی علل عملکرد مثبت شاه عباس را تحت دو عنوان زیر می‌توان شرح داد:

۱- علل سیاسی:

شاه عباس به دلیل وجود دشمنی سرسخت چون عثمانی، همواره در صدد یافتن متحدی برای مقابله با تهدیدات آن بود. که به واسطه اتفاق و اتحاد با آن توانای مقابله با امپراتوری عثمانی را داشته باشد بهترین گزینه برای اتحاد با شاه عباس، دول مسیحی اروپا بودند. زیرا آنان نیز از جانب عثمانی هم به لحاظ سیاسی و هم از نظر اقتصادی محتمل ضرر می‌شدند. عثمانی دشمن مشترک ایران و اروپا بود و شاه عباس اتصال

ایران و اروپا را برای مقابله با قدرت امپراتوری عثمانی را به واسطه اقلیت‌ها مسیحی مقیم ایران تشخیص داد و از طرفی سفرای اعزامی از سوی دول اروپایی به دربار صفویان عمدتاً هیئت‌های مذهبی بودند. همچنین سفرای اعزامی شاه عباس نیز بر مذهب مسیحیت بودند. پس مراودات سیاسی میان اروپا و شاه عباس توسط مسیحیان صورت می‌گرفت. از جمله این افراد می‌توان از سرآنتوان شرلی یاد کرد. درست زمانی که شاه عباس در صدد تهیه لوزم برای اعزام سفیر از راه هند و پرتقال با هدایا و تحف به نزد پادشاه اسپانیا بود. سر آنتوان شرلی وارد قزوین شده و به عرض شاه رسانید. که غیر از اعلیحضرت کاتولیک اسپانیا، بسیاری از پادشاهان مسیحی دیگر سرزمین‌های مغرب هستند که با کمال میل و طیب خاطر آماده اتحاد با شاه عباس علیه ترکان می‌باشند (بیات، ۱۳۳۸: ۲۶۶-۲۶۷) علاوه بر اینکه هیئت‌های ایران بر مذهب مسیح بودند. سفرای اروپا نیز اکثراً گروه‌های دینی بودند به طوری که در نیمه قرن شانزدهم میلادی/ دهم قمری هیاتی از مبلغین فرقه اگوستین از پرتقال وارد جزیره هرمز شدند که یک یسوی به نام فرانسیسکو دا کوشتا به پاپ کلمنت هشتم چنین القا کرد: که امید آن است شاه عباس اول به مسیحیت بگردد و پاپ فوراً کوشتا را با شخصی غیر روحانی به نام دیه گو میراندا اعزام کرد، تا خشنودی پاپ را از تمایل شاه عباس نسبت به مسیحیت ابراز کند و همچنین شاه را به اقدام مشترک علیه ترکان دعوت کرد. اما این سفارت به لیل اختلافات میان اعضای آن بی‌اعتبار گشت و نتیجه‌ی در بر نداشت (سیوری، ۱۳۸۵: ۱۰۳) شاه عباس به دلیل نیاز به نیرو و امکانات دول مسیحی اروپا، جهت مقابله با عثمانی همواره نسبت به یسویان ایران، کمال لطف و مرحمت را داشته است. که به تاسی از آن ایرانیان نیز بخوردی مناسب با مسیحیان داشتند. به گونه‌ای که شاردن گفته است: یکی از پسندیده‌ترین صفات ایرانیان، انسانیت و عطوفت آنان است به بیگانگان، استقبال گرم از خاجیان، حمایت و صیانت آنان و خوش پذیرایی از تمام آدمیان، تساهل حتی نسبت به مذاهب مجعول و کاذب؛ این همه از خصوصیات ممتاز ایرانیان است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۸۸) در نهایت باید گفت شاه عباس بخاطر اینکه سعی داشت به واسطه مسیحیان ایران با اروپا رابطه‌ی سیاسی موثری داشته باشد. نسبت به این گروه با ملاطفت رفتار می‌کرد.

۲- علل اقتصادی:

به دلیل جایگاه مهم مسیحیان در زمینه امور تجاری، همواره مورد توجه شاه عباس قرار داشتند. مسیحیان در عرصه تجارت بین‌المللی ایران نقش واسطه‌ای میان ایران و اروپایی مسیحی داشتند و در زمینه تجارت کالاهای پر سود مانند: ابریشم بسیار فعال بودند. در واقع شریان اقتصادی ایران در عصر شاه عباس این اقلیت مذهبی بود. به طوری که شاه عباس مسیحیان کرملی را که به کار تجارت مشغول بودند را به محله حسن‌آباد اصفهان منتقل کرد (الناریوس، ۱۳۶۳: ۶۱۵) و همچنین در راستای اهمیت این امر می‌توان گفت که عاملی اصلی در انتقال مسیحیان به از جلفا به اصفهان تیز تجارت بود. به طوری که میرزا بیگ جنابدی از مورخان بزرگ عصر صفوی در باب علل کوچ می‌نویسد: غرض از جلای وطن آن جماعت نیز عدم آبادانی نخجوان بود، آبادانی آن بلده موقوف ارامنه جلفا بود که جمله به تجارت و کثرت مال معروف بودند. هر گاه بنای بر قرب جوار ارامنه جلفا اقامت نداشته باشند، نخجوان به کلی خراب و بایر خواهد بود (جنابادی، ۱۳۷۸: ۷۷۱) مسیحیان (ارامنه) که در دهات نخجوان ساکن بودن، کاتولیک مذهب بوده و با پاپ ارتباط داشتند (باروبارو، ۱۳۴۹: ۹۹) همچنین شاه عباس در راستای تحقق اهداف اقتصادی خود و در ورای سیاست مدارای مذهبی را که در پیش گرفته بود دستور داده بود که مراسم مذهبی مسیحیان به شیوه قبل از ورودشان به اصفهان، انجام پذیرد و دستور ساخت کلیسای وانگ را در اصفهان صادر کرد که طی آن نیز دستور داد که سنگ‌های کلیسای اوجچ واقع در ایروان به اصفهان منتقل و در ساختمان جدید مورد استفاده قرار گیرد (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۰۵) لذا باید گفت که شاه عباس به واسطه نقش محوری مسیحیان رد عرصه تجارت، هماره نسبت به آنان تساهل فروان داشت و در انجام امور و مراسم مذهبی آزاد بودند و علاوه بر این از امتیازات مناسب اقتصادی نیز برخوردار بودند به طوری که در سفرنامه شاردن آمده است: ... که شاه عباس اول برای عمران جلفا بسیاری از بار سنگین مالیات را کاست، چنانچه در دوران پادشاهی وی مبلغ مالیاتی که از ساکنان جلفامی‌دادند، در سال از نه هزار فرانک نمی‌گذشت (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۵۳۷). در راستای همین سیاست مدارای مذهبی، شاه

عباس خود را پدر ارامنه می‌شمرد و همیشه مراقب بود از جانب مسلمانان متعصب و یا بدخواه، به ایشان توهین و تجاوزی نشود (رائین، ۱۳۴۹: ۳۳) با این ترتیب روی کار آمدن شاه عباس اول، نقطه عطفی در تحول و گسترش روابط با اروپاییان است. شاه عباس به دلایل مختلف به روابط صمیمانه و نزدیک با اروپا، علاقمند بود. وجود دشمنی مشترک بنام عثمانی و تمایل شاه عباس به بسط بازرگانی خارجی، به خصوص تجارت با اروپا، از دلایل عمده بود که شاه را به سمت رابطه مسالمت آمیز و مناسب با فرق مسیحی مقیم ایران سوق می‌داد. سیاست مدارای مذهبی صفویان نیز پس از شاه عباس تا حدودی باقی بود به طورسی که یکی از کسیشان ژوزوئیت که در اواخر عصر صفوی از ایران دیدن کرده، بیان کرده است: در قزوین حدود سی خانواده ارمنی وجود داشتند که نمازخانه‌ای در بالای یک کاروانسرا داشته‌اند و چهار کشیش در آنجا خدمت می‌کردند (کشیشان ژوزوئیت، ۱۳۷۰: ۷۰) بدین سبب می‌توان گفت که در حقیقت سیاست محبت‌آمیز شاه عباس اول نسبت به یسویان تا حدی باعث امتداد این رابطه مسالمت-آمیز در ادوار بعدی حکومت صفویان گشت.

نقش مسیحیان در مناسبات فرهنگی و مذهبی عصر شاه عباس اول

رابطه میان مناسبات سیاسی مسیحیان اروپا با فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی، ارتباطی تنگاتنگ و با سابقه می‌باشد. به طوری که پاپ الکساندر ششم، همه سرزمین‌های کشف شده را به پرتغال و اسپانیا بخشید. به این شرط که آن دو دولت استعمارگر دامنه کوشش‌های خود را در راه مسیحی ساختن مردم آن سرزمین‌ها و گسترش فعالیت هیئت‌های تبلیغی ترسایان را در خاور، باختر و آفریقا مورد پشتیبانی قرار دهند (حائری، ۱۳۴۷: ۴۷) اگرچه هدف اصلی سفرای اعزامی اروپا، تحریک ایران علیه عثمانی بود ولی در کنار این امر تبلیغ مسیحیت نیز در دستور کار قرار داشت و در ابتدا سعی‌شان بر این بود که مسیحیان ایران (ارامنه و گرجیلان) را به اطلاعات از پاپ تشویق کنند و در ادامه این امر تبلیغ مسیحیت در میان ایرانیان و پیروان دیگر اهل کتاب بود. لذا از مهمترین فعالیت‌های مذهبی مسیحیان در ایران عصر شاه عباس تبلیغ مسیحیت بود. در عصر صفوی هم کاتولیک‌ها و هم پروتستان‌ها به ایران رفت و آمد داشتند.



پروتستان‌ها به واسطه حضور فرانسه و انگلیس و کاتولیک‌ها نیز به سبب ارتباط میان ایران عصر صفوی با کشورهای پرتقال و اسپانیا، حضور داشتند. فرق مختلف کاتولیک مانند اگوستین، دومینکن، ژوزئیت‌ها و کرملی‌ها در ایران فعالیت داشتند. بیشترین قدرت همه فرق مسیحی در دوران شاه عباس اول بود، در دروان پس از او، اگرچه فعالیت‌های مذهبی دنبال می‌شد. اما به شدت از تعدا این فرق کاسته شد. تا جای که در زمان شاه سلیمان از هر فرقه سه نماینده در پایتخت حضور داشت (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۹۸)

کارملی: فعالترین فرقه مسیحی در عصر شاه عباس

از میان فرق کاتولیک در ایران، فعالترین گروه کارملی‌ها یا پابرهنگان بودند که ابتدار در کوه‌های فلسطین زندگی می‌کردند. این فرقه پس از سالها تحصیل و ریاضت، برای رواج مسیحیت به دیگر نقاط جهان سفر می‌کردند و همواره از حمایت پاپ و امرای دول مسیحی مغرب زمین برخوردار بودند. به طوری که نگارش و ارسال نامه‌های فراوان در وصف حمایت از اینان، حاکی از عمق فعالیت‌شان می‌باشد. اولین حضور آنان در پایتخت صفویان، به مناسبت تبریک فتح تبریز توسط شاه عباس می‌باشد (خاتون آبادی، ۱۳۷۴: ۲۱-۲۰) انتشار اسنادی از این فرقه، نشان از فعالیت گسترده آنان در ایران است. این اسناد جمعا ۱۶۲ سند می‌باشند. که بعضی از این اسناد در بر دارنده نامه‌های پاپ و امرای دول مسیحی مغرب زمین است به شاه عباس اول و برخی نیز نامه‌های است که میان سفرای اعزامی اروپا و شاه عباس رد و بدل شده است (ستوده، ۱۳۸۳: ۹) نماینده‌گان این فرقه در ایران علاوه بر اینکه در جهت ترغیب و تحریک شاه عباس علیه امپراتوری عثمانی فعالیت می‌کردند. به فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری نیز اشتغال داشتند و بیشتر از دیگر فرق مسیحی در این زمینه‌ها فعال بودند زیرا از یک طرف هم حمایت کامل پاپ را دارا بوده و از طرفی نیز مورد لطف و توجه شاه نیز قرار داشتند. برای اثبات این امر به متن نامه شاه عباس به پاپ کلمنت هشتم ارائه می‌گردد. «... در اعزاز و احترام کرملیت‌ها و رعایت و مراقبت طبقه مسیحیه که به ممالک محروسه، تردد و آمد و شد می‌نمایند، لحظه‌ای فرو گذاشت نمی‌نماییم. و

جماعت کرمیت‌ها در این ولایت، همگی به فراغت خاطر در معابد خود به اطلاعات و عبادت حضرت پروردگار عالمیان مشغول هستند و حرمت و عزت ایشان بیشتر از مردم خو داریم. یحتمل که حقیقت این حال از تجار و مترددین فرنگیه به سمع شریف رسیده باشد و ایلچی ایشان نیز که به ملازمت عالی می‌رسد، معروض خواهد داشت که نواب همایون ما چه مقدار رعایت جانب مسیحیه می‌فرماییم» (فلسفی، ۱۳۴۲: ۳۱۵) شاه در این نامه ضمن تمجید از پاپ، حسن خاطر خود را نسبت به مسیحیان ایران به خصوص فرقه کارملیت بیان کرده است.

نتیجه گیری:

عصر حاکمیت شاه عباس اول، اوج قدرت خاندان صفوی می‌باشد که در حقیقت کیاست و سیاستمداری شاه عباس موجب این اقتدار بود و سیاست مدارای دینی نمودی از این امر می‌باشد. شاه عباس به خوبی از نقش مسیحیان در تجارت بین ایران و اروپا آگاهی داشت و در صدد برآمد با حمایت از مسیحیان، از یک سو به شکوفای و توسعه تجارت خارجی ایران کمک کند و از سوی دیگر بدین وسیله، با ایجاد ارتباط مثبت با دول مسیحی اروپا، در جهت ضربه زدن به دولت قدرتمند عثمانی گام برداشت و برای رسیدن به این مقاصد، از طریق در پیش گرفتن سیاست مداری دینی و اعطای امتیازات به مسیحیان عمل کرد. و در سایه مساعدت‌های شاه عباس، مسیحیان در این عصر فعالترین اقلیت در ایران بودند. که آزادانه مراسم و امور مذهبی خود را اجرا می‌کردند و در عرصه امور اقتصادی نیز حضوری موثر در جامعه داشتند. و همچنین در این عصر مسیحیان علاوه بر همزیستی مسالمت‌آمیز، آزادی در ساختن کلیسا، آزادانه به تبلیغ مسیحیت در بین مسلمانان می‌پرداختند. در نهایت این برخورد معقول شاه عباس، باعث بکارگیری مثبت پتانسیل مسیحیان در عرصه سیاسی و تجاری ایران شد. و نتیجه این اقدامات، رشد و توسعه اقتصادی ایران در عصر شاه عباس اول بود



منابع و مأخذ

- الناریوس، آدام. (۱۳۶۳)، **سفرنامه آدام الناریوس**، ترجمه احمد بهپور، تهران: مرکز فرهنگی آتر پات.
- آوانس. (۱۳۵۷)، **سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر**. با مقدمه دکتر محبت آیین، بی جا: انتشارات کتابخانه منوچهری.
- بیات، اوروج بیگ، (۱۳۳۸)، **دون ژوان ایرانی. با حواشی و یادداشت‌های از لسترنج**، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- باربارو، جوزافا و دیگران (۱۳۴۹). **سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)** **سفرنامه‌های که در زمان اوزون حسن آق‌قویونلو به ایران آمده‌اند**، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۸۳). **سفرنامه تاورنیه**، ترجمه حمید ارباب شیرازی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۱)، **عالم آرای عباسی**، تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
- جنابدی، میرزا بیگ (۱۳۷۸). **روضه الصفویه**، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷). **نخستین رویارویی اندیشه‌گران غرب با دو رویه تمدن بورژوازی غرب**، تهران: امیر کبیر،
- خاتون آبادی، محمد باقر بن اسماعیل. (۱۳۷۴). **ترجمه اناجیل اربعه**، ترجمه و تعلیقات حسینی خاتون آبادی، به کوشش رسول جعفریان، تهران: نقطه.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۰). **سفرنامه پیتر دلاواله**، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: نشر قطره، دو جلد.
- دروهانیان، هارتون (۱۳۷۹) **تاریخ جلفای اصفهان**، ترجمه لئون. گ. میناسیان و محمدعلی موسوی فریدونی، اصفهان: انتشارات نقش خورشید.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۴)، **تاریخ اجتماعی ایران**، ج ۸، تهران: نگاه.

رائین، اسماعیل (۱۳۴۹). ایرانیان ارمنی، بی‌جا.

شاردن، جان (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۴، تهران: توس.

سیوری، راجر (۱۳۸۵)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

ستوده، منوچهر (۱۳۸۳)، اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، با همکاری ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.

سانسون، (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون. وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.

فلسفی، نصرالله (۱۳۵۸)، زندگانی شاه عباس اول، ج ۲ و ۳، تهران: انتشارات محمد علی علمی.

فلسفی، نصرالله (۱۳۴۲)، سیاست خارجی ایران در دوران صفویه، بی‌جا: انتشارات کتاب‌های جیبی.

کشیشان ژوزیت، نامه‌های شگفت‌انگیز از دوران صفویه و افشاریه، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات اندیشه جوان.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

مصطفوی، علی اصغر (۱۳۶۹)، ایرانیان یهودی، با همکاری آتوسا مصطفوی، تهران: بامداد.

منجم یزدی، ملا جلال (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال: شامل وقایع دربار شاه عباس صفوی، به تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.